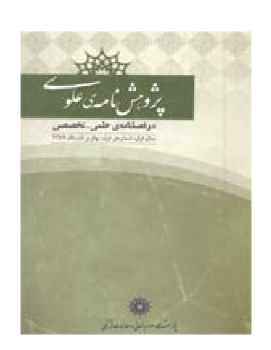


غدیر در آیینه شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی هندی، عبدالمحسن ابوالحب، احمد وائلی، سید جمال گلپایگانی

پدیدآورنده (ها) : نعمتی قزوینی، معصومه؛ عبدی، رعنا

علوم قرآن و حدیث :: نشریه پژوهش نامه علوی :: پاییز و زمستان ۱۳۹۷، سال نهم - شماره ۲ (ب/ISC)

صفحات : از ۱۱۹ تا ۱۴۱

پژوهش‌نامهٔ علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصل‌نامهٔ علمی ـ پژوهشی، سال نهم، شمارهٔ دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۱۱۹ – ۱۴۱

غدیر در آیینهٔ شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی هندی، عبدالمحسن ابوالحب، احمد وائلی، سیدجمال گلپایگانی

معصومه نعمتی قزوینی*

رعنا عبدی**

چکیده

شعر آیینی تجلی ارزش‌های ملی– میهنی و یا ارزش‌های دینی و مذهبی است. آنچه امروز به عنوان شعر آیینی شناخته‌می‌شود، بیشتر تجلی‌گاه ارزش‌های دینی و مذهبی چون توحیدیه‌ها، مناجات‌نامه‌ها، اشعار عرفانی و به‌ویژه اشعاری در مدح و رثای اهل‌بیت(ع) است. واقعه غدیر یکی از مهم‌ترین مضامین اشعار آیینی در طول تاریخ به‌ویژه در میان شاعران شیعی است. شیخ احمد وائلی، آیت الله سید محمد جمال هاشمی‌گلپایگانی، سیدرضا موسوی هندی و عبدالمحسن ابوالحب جملگی از عالمان دینی عراق‌اند که در کنار علوم دینی در شعر نیز طبع آزمایی کرده اند. مجموعه اشعار این شاعران سرشار از چکامه هایی در مدح یا رثای اهل بیت(ع) است. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و با هدف معرفی شاعران آیینی عراق و نیز تبیین نقش شعر آیینی این سرزمین در تثبیت و ترویج رویداد غدیر و سیره علوی، اشعار شاعران برگزیده را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. یافته های این پژوهش نشان دهنده این است که مهم ترین محور محتوایی غدیریه این شعران، تبیین جایگاه برجسته امام علی(ع) و بیان اوصاف و فضایل آن حضرت است که خود می تواند قوی‌ترین استدلال برای اثبات حقانیت وی در تصدی مقام خلافت و جانشینی رسول خدا(ص) باشد.

---

* استادیار زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسندهٔ مسئول)، m.nemati@ihcs.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد، زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، r707070a@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، غدیر، شعر آیینی، شعر عراق.

۱. مقدمه

رویداد غدیر، از روزی که پیامبر اسلام(ص)، امام علی (ع) را به جانشینی خود برگزید، مورد بحث و انتقادات فراوان قرارگرفت. درست است که همهٔ حاضران در آن روز و در حضور شخص پیامبر(ص)، با حضرت علی(ع) پیمان‌بستند و کسی در پاسخ به سوالات پیامبر(ص) اظهار مخالفتی نکرد، اما از همان روز دشمنی‌های تازه ای با آن حضرت شکل گرفته و در نهایت سبب شد پس از اندک زمانی، رویدادی مهم را به بوتهٔ فراموشی سپرده و درصدد انکارش برآیند. در مقابل از همان زمان تاکنون، کسانی هم بوده‌اند که با ایمان به حقانیت امام(ع)در جانشینی رسول خدا(ص)، از راه‌های گوناگون به روشنگری و دفاع از ایشان پرداخته اند. در این میان شعر، یکی از ابزارهای مهم و اثرگذار برای مدافعان اهل بیت (ع) بوده است. در این‌پژوهش، غدیریه چهارتن از چهره‌های دینی و ادبی عراق- سید رضا موسوی هندی[۱]، عبدالمحسن ابوالحب [۲]، شیخ احمد وائلی [۳]و آیهٔ الله گلپایگانی [۴]- با روشی توصیفی- تحلیلی و با هدف تعیین نقش شعر آیینی معاصر عراق در تثبیت و ترویج رویداد غدیر و نیز تبیین هرچه بیشتر سیما و سیرهٔ علوی مورد تحلیل و بررسی قرارگرفته‌است.

۱.۱ سوالات تحقیق

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. روش شاعران برگزیده در تبیین رویداد غدیر و اثبات حقانیت امام علی(ع) چه بوده‌است؟

۲. مهم ترین محورهای محتوایی اشعار برگزیده کدام است؟

۳. اشعار برگزیده از جهت ویژگیهای ادبی چگونه است؟

۲.۱ پیشینهٔ پژوهش

کارهای انجام‌شده در این‌زمینه را می‌توان در دو بخش موردبررسی‌قرارداد.

۱.۲.۱ در مورد غدیر

پیش از این در زمینهٔ غدیریه‌سرایی در ادبیات عربی پژوهش‌هایی صورت‌گرفته‌است که عبارتند از:

- شیروی خوزانی، مصطفی (۱۳۸۱ش/زمستان): «بازتاب زندگی علی(ع) و صفات بی‌بدیل ایشان در اشعار عربی»، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شمارهٔ۱۶۴، صفحات ۳۲۳– ۳۳۸: در این‌مقاله همهٔ حوادث تاریخی و سیاسی زمان حضرت علی(ع) و ویژگی‌هایی که به خاطر آن‌ها از دیگران متمایز می‌شوند در اشعار چند شاعر عرب موردبررسی قرارگرفته‌است که از میان شاعران مورد تحقیق، تنها اشاراتی به شعرهای وائلی دارد.
- شیخ الرئیس کرمانی، محمد (۱۳۸۷ش/تابستان): «دفاع شعرای شیعه از حریم تشیع در عصر اول عباسی»، فصلنامهٔ علوم اسلامی، سال سوم، شمارهٔ۱۰، صفحات ۱۱۹– ۱۴۰: نویسنده در این‌مقاله به‌صورت مختصر به شاعرانی چون سید حمیری و دعبل خزاعی اشاره‌کرده‌است که شاعران عصر عباسی اند و در جریان مبارزه با عباسیان، به سرودن شعر در مورد فضایل حضرت علی(ع) و یادآوری واقعهٔ غدیر در قالب آن پرداخته‌اند.
- شمس الدینی، اعظم و کبری خسروی (۱۳۹۰ش/پاییز): «بررسی تطبیقی غدیریه‌های فارسی و عربی، مطالعهٔ موردپژوهانهٔ: غدیریه‌های شهریار و بولس سلامه)، کاوش‌نامهٔ ادبیات تطبیقی، سال اول، شمارهٔ۳، صفحات ۱۲۷– ۱۵۴: در این‌پژوهش، شعر غدیر از دو شاعر پارسی و لبنانی یعنی شهریار و بولس سلامه مورد بررسی قرار گرفته‌است.
- امین مقدسی، ابوالحسن و اعظم شمس الدینی (۱۳۹۵ش/بهار و تابستان): «نیم‌نگاهی به غدیریه‌های عربی»، مجلهٔ پژوهش‌نامهٔ علوی، سال هفتم، شمارهٔ۱، صفحات۱–۲۳: در این‌مقاله به جز غدیریهٔ بولس سلامه، دیگر شعرها از دوره‌های گذشتهٔ تاریخ ادبیات عربی انتخاب شده‌اند.

۲.۲.۱ در مورد شاعران این پژوهش

- زینی‌وند، تورج و کامران سلیمانی (۱۳۹۰ش/پاییز و زمستان): «بررسی توصیفی– تحلیلی سیمای امام حسین(ع) در شعر دینی احمد وائلی»، مجلهٔ نقد معاصر عربی،

سال دوم، شمارهٔ۱، صفحات ۱۷۳– ۲۰۲: شاعر مورد پژوهش احمد وائلی است اما موضوع، بررسی سیمای امام حسین (ع) در اشعار اوست.

- زینی‌وند، تورج و کامران سلیمانی (۱۳۹۱ش/زمستان): «نقد بینامتنی قرآنی در شعر دینی احمد وائلی»، مجلهٔ پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال دوم، شمارهٔ ۵، صفحات ۱۴۳–۱۶۰: در این‌مقاله نیز شعر دینی وائلی از منظر بینامتنی قرآنی موردبررسی قرارگرفته‌است.
- سلیمانی، کامران و تورج زینی‌وند (۱۳۹۲ش/بهار و تابستان): «درآمدی توصیفی– تحلیلی بر شعر دینی احمد وائلی»، مجلهٔ ادب عربی، سال پنجم، شمارهٔ۱، صفحات ۱۰۵–۱۲۴: در بررسی شعرهای دینی وائلی، در صفحهٔ ۱۰۹ به طور مختصر به بیان فضایل علی(ع) در شعر وائلی هم اشاره‌ای شده‌است.
- پاشا زانوس، احمد؛ هادی علی‌پور لیافویی(۱۳۹۲ش/تابستان): «سیمای اصحاب کسا در آیینهٔ اشعار شیخ احمد وائلی»، مجلهٔ لسان مبین، سال چهارم، شمارهٔ۱۲، صفحات۲۴– ۴۸: در بخش‌هایی از این‌مقاله، برخی ابیات غدیریهٔ وائلی شرح شده‌است.
- سلیمانی، کامران و دیگران (۱۳۹۳ش/پاییز و زمستان): «بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر دینی احمد وائلی»، مجلهٔ ادبیات پایداری، سال ششم، شمارهٔ۱۱، صفحات ۱۳۱–۱۵۴: در این‌پژوهش که پیرامون اشعار پایداری وائلی است، اشاره‌ای به غدیریهٔ وائلی نشده‌است.
- جدوع حنون، عاید و صلاح جباری شناوة العبودی (۲۰۱۶م): «السلالم الحجاجیة فی شعر أحمد الوائلی»، مجلهٔ اوروک، شمارهٔ۲، جلد ۹، صفحات ۷۹– ۹۶: در این‌مقاله مراتب دلیل‌آوری وائلی در شعرهایش موردبررسی قرارگرفته‌است که آن‌ها را از ضعیف به قوی مورد ارزیابی قرارداده است. در این پژوهش به غدیریه وائلی اشاره‌ای نشده است.
- محمود سلمان، عبدالمطلب و غانم نجیب عباس (بی تا): «الشیخ الدکتور احمد الوائلی... حیاته و هُمومه من خلال اشعاره»، مجلهٔ دانشگاه المثنی، بدون سال نشر، بدون شماره، صفحات ۱–۱۶: در این‌پژوهش که به بررسی مراحل زندگی وائلی با تکیه بر اشعارش پرداخته شده، غدیریهٔ او مورد بررسی قرارنگرفته‌است.

- کاظم المصلاوی، علی و کریمهٔ نوماس المدنی (بی‌تا): «دیوان الشیخ محسن ابوالحب الکبیر: دراسة فی الموضوع الشعری»، مجلهٔ دانشگاه کربلا: اهل البیت، بدون سال نشر، شمارهٔ ۷، صفحات ۴۲– ۷۰: در این‌مقاله غدیریهٔ شاعر مورد بررسی قرارنگرفته‌است.
- ولی‌پور، آمنه (۱۳۹۲ش/تیر): بررسی سبک‌شناسی شعر دینی سیدرضا موسوی‌هندی، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمان: دسترسی به این رساله برای نگارنده ممکن نبوده اما بر طبق فهرست آن که قابل دسترس است، تنها در صفحهٔ ۴۰ (در حد یک صفحه) به غدیریه سیدرضا موسوی اشاره شده است.

۲. تحلیل اشعار برگزیده

۱.۲ آغاز غدیریه‌ها

گلپایگانی غدیریهٔ خود را با مقدمه‌ای عارفانه و به شکل مناجاتی همراه با استغفارطلبی آغازمی‌کند. این‌روند با پرداختن به رویداد غدیر ادامه‌می‌یابد و با همین‌سبک نیز به‌پایان می‌رسد. سیدرضا موسوی نیز غدیریهٔ خود را با طرح سوالاتی آغازمی‌کند که توقع پاسخگویی مخاطب بدان را ندارد. زیرا، خود بهترین پاسخ‌ها را دارد و از مخاطب هم می‌خواهد تا وقتی چنین برهان قاطعی دراختیاردارد، از روی آوردن به پاسخ‌های احتمالی ضعیف بپرهیزد. غدیریهٔ سیدرضا موسوی تا پایان درصدد تبیین بهترین پاسخ‌هایی است که مخاطب را به اندیشیدن و برگزیدن بهترین راه‌حل فرامی‌خواند. غدیریهٔ وائلی هم که طولانی‌ترین قصیده میان این‌چهارغدیریه است، می‌تواند جمعی میان حالت عرفانی گلپایگانی و دلیل‌آوری‌های سیدرضا موسوی به‌شماررود که مقدمه‌ای مفصل‌تر دارد و با ورود به اصل موضوع و علنی‌ساختن بحث مورد نظر خود، به‌تدریج به معرفی امام علی(ع) و فضیلت‌های ایشان می‌پردازد و با استفاده از آرایه التفات، از غایب به مخاطب گذرکرده و به‌طورصریح شخص علی(ع) را مورد مدح و ستایش خود قرارمی‌دهد تا در پایان غدیریه، به اوج آرزوی خود برای وصل شدن به امام علی(ع) و نجات‌یافتن دست‌یازد. غدیریهٔ ابوالحب نیز با توصیه به مخاطب برای یاری‌جستن از علی(ع) آغاز شده و از ابتدا مخاطب‌محور است. در ضمنِ قصیده، ویژگی‌ها و برتری‌های امام علی(ع) –ازنظر شاعر– موردبررسی‌قرارمی‌گیرد و این‌روَند تا پایان ادامه‌می‌یابد.

۲.۲ اشاره به حوادث تاریخی

اشاره به حوادث تاریخی یکی از روشهای شاعران در اثبات حقانیت امـام (ع) اسـت. ذکـر رویدادهای مهمی مانند میلاد امام علی(ع)در خانه کعبه، ویرانی بتهای کعبه توسط امـام (ع) بعد از فتح مکه، رویداد لیلهٔ المبیت و حادثه غدیر خم از این جمله اند.

۱.۲.۲ میلاد علی(ع) در خانهٔ کعبه و ویرانی بت‌های آن توسط امام(ع)

وائلی با پرداختن به ماجرای شگفت و بی مانند میلاد علـی(ع) در خانـهٔ کعبـه، بـر مقـام و منزلت وی تاکید کرده‌است، زیرا که در تاریخ به‌هیچ‌وجه اتفاق نیفتاده‌است. وائلی، در آغاز، جهانی قحطی‌زده را به‌تصویرمی‌کشد که با مـیلاد علـی(ع)، حتـی از صـخرهٔ سـخت هـم گیاه می‌روید. سپس کعبه را وصـف‌مـی‌کنـد کـه مظـاهر شـرک و بـت‌هـا از دیوارهـایش آویخته شده‌بود و بر آن سنگینی‌می‌کرد تا اینکه بـا تولـد فرزنـدی والا مقـام، کعبـه از ایـن سنگینی‌ها راحت شده و بت‌هایش درهم‌شکسـت و نجـات‌یافـت. در واقـع شـاعر حادثـهٔ شکستن بت‌های کعبه پس از فتح مکه به دست امام علی (ع) را که سال‌ها پس از میلاد وی رخ داده را به زمان میلاد ایشان آورده و در واقع میلاد آن حضرت را به منزلـهٔ پایـان دوران بت پرستی در مکّه قلمداد کرده‌است:

أَطَلَّ وَالكَونُ وَالأيامُ مُجدِبَةٌ
فَبَرعَمَ النَّبتُ حَتّی فِی الجَلامیدِ
فَکَیفَ ...
وَالبَیتُ وَالکَعبَةُ الغَرّاءُ مُثقَلَةٌ
واقِعٍ لِلهَوی وَالجَهلِ مَشدودِ
حَتّی أفاضَ بها النُّعمی وَأکرَمَها
رَبُّ السَّماءِ وَأعلاها بِمَولودِ
فَحَطَّ أصنامَها عَنها وَقامَ بها
عَنِ التَّرَدّی بِأوحالِ التَّقالیدِ

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۳و۶۴)

وائلی در این‌ابیات «به تلألو انواری اشاره‌می‌کند که عالم هستی را تجلـی‌بخشـیده و بـا ظهور مولودی مبارک، ظلمت و تاریکی‌ها و جهل را درهم‌نوردیده‌است. رویيدن گیاهان در

صخره‌ها- که نماد حرکت و حیات است- نیز می‌تواند بشارتی‌باشد برای شـادی و سـرور کعبه که از میلاد علی(ع) در اندرون خـود احسـاس‌مـی‌کنـد. وی در پایـان ابیـات ولادت علی(ع) را مساوی شکستن بت‌ها دانسته‌است.»(پاشا زانوس، ۱۳۹۲ش: ۳۴)

۲.۲.۲ رویداد لیلة المبیت

گفته شده

> همین که سران قریش دانستند پایگاهی تازه برای نشر دعوت اسلام آماده شـده اسـت خطر را بیشتر احساس کردنـد و بـرای یـافتن راهـی مناسـب در دارالنـدوهٔ جلسـه‌ای تشکیل دادند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که از هر قبیله‌ای جوانی آمـاده شـود تـا شبانه و دسته جمعی بر پیامبر(ص) هجوم برده و او را بکشند. از آن سـو جبرئیـل بـر پیغمبر(ص) نازل شد و توطئه‌ی مشرکین را در ضمن آیـه‌ی ۳۰ سـوره‌ی انفـال **(**وَ إِذْ یَمْکُرُ بکَ الَّذینَ کَفَرُوا لِیُثْبِتُوکَ أَوْ یَقْتُلُوکَ أَوْ یُخْرِجُوکَ وَ یَمْکُرُونَ وَ یَمْکُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَیْـرُ الْماکِرینَ**)**[۵] به اطلاع آن حضـرت رسـانید. رسـول خـدا(ص) علـی(ع) را جانشـین خود ساخت تا در بسترش بخوابد. (پیشوایی، ۱۳۹۰: ۴۶- ۴۷)

این واقعه به باور شاعر دلیل دیگری برای شایستگی خلافت برای امام(ع) است؛ زیرا آن هنگام که قریشیان برای جان پیامبر(ص) توطئه کرده بودند تنها امام(ع) بود کـه خطرهـا را به‌جان خرید و برای نجات جان رسول خدا(ص) دربسترش آرمید.

موسوی در غدیریهٔ خود، زمانی را به مخاطب یادآوری‌مـی‌کنـد کـه دیـن کامـل‌شـد و اساس‌هایش ساخته و دیوارهایش محکم‌شد و شب هجرت پیامبر(ص) فرارسید و حضرت «با خرسندی» پذیرفت که در بستر پیغمبـر(ص) بخوابـد، بـدون اینکـه از کینـهٔ دشـمنان و کشته شدن خود واهمه‌ای داشته‌باشد (ر.ک: طبری، ۱۳۶۳ش، ج۳: ۹۱۳-۹۰۸):

وَلَمّا استتمَ الدینُ أوفی نِصابه
وَشیدَت مبانیهِ وأُحکمَ سورهُ
رَقَدتَ قَریرَ العینِ لَستَ بحافِلٍ
حِقدِ أخی حِقدٍ عَلَیکَ یثیرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

۳.۲.۲ اعلام جانشینی امام علی(ع) توسط پیامبر(ص)

ابوالحب در غدیریهٔ خود بـه شـیوهٔ اعـلام جانشـینی امـام علـی (ع) بعـد از رسـول خـدا پرداخته است. او در این‌باره به دونکتهٔ دقیق اشاره‌داشته است. اول، اینکه رسول خدا (ص) دست امام (ع) را بالا برده و او را جانشین خود معرفی‌کرده‌است. دوم، به حـدیث معـروف «مَن کُنتُ مَولَاهُ فهذا علی مولاه» اشاره‌کرده‌است:

غداةً رَقی آخِذاً کَفَّه
ینادی بِصَوتٍ عَلِیٍ جَهیرِ
ألا مَن کُنتُ مولاً لَه
فَمَولاهُ هذا أخی والنَّصیرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

۴.۲.۲ پیمان بستن مردم با حضرت علی(ع) در روز غدیر

ابوالحب در غدیریهٔ خود از پیمان‌بستن سیل جمعیت در آن روز با امام (ع) یاد کرده‌است. بیعتی که همانند آن در تاریخ برای کسی رخ‌نداده‌است؛ زیرا این‌بیعت، در واقع پیمانی برای جانشینی رسول خدا (ص) بود:

لَقَد خَصَّهُ المصطَفی فِی الغَدیرِ لَـهُ بَیعَـةٌ مـا لَهـا مِـن نظیـرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۷)

۳.۲ لزوم پیروی از علی(ع)

ابوالحب در غدیریه خود، مزایای رهبری امام(ع) را برای امت اسلامی برشـمرده اسـت. او معتقد است که پذیرش رهبری علـی(ع) کـه در روز غـدیر ابـلاغ شـد، سـعادت امـت را درپی دارد و به برکت نظر پروردگار بر آنان، رستگارخواهنـدشـد و در والاتـرین بـاغ‌هـای بهشتی به آسایش خواهندرسید و از زبانه‌های آتش جهنم امنیت‌خواهندیافت:

لَقَد سَعِدَت أمةُ المصطفَی
وَفازَت بِفَضلِ السَّمیعِ البصیرِ
وَنالَت نَعیماً بِأَعلَی الجِنانِ

وَقَد أمِنَت مِن حَریقِ السَّعیرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

ابوالحب دوستدار، پناه‌برنده و زائر امام علی(ع) را، فردی آسوده‌خاطر می‌داند که ترسی از آتش دوزخ ندارد؛ در امان است؛ امام (ع) او را کفایت می کند و همه خواسته هایش را برآورده می سازد:

فَکَیفَ یخافُ مُحِبُّ الوَصِی
مِنَ النَّارِ وَهوَ بِهِ مُستَجیر
وَهَل خابَ مَن جاءَهُ زائراً
إذا ما أتاهُ بقَلبٍ حَسیرِ
وَیکفِیهِ مِن کلِّ شیءٍ أتَمَّ
وَیقضی لَهُ کُلُّ أمرٍ عَسیرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

هرچند این اشعار نشان از عمق ارادت شاعر به امام(ع) است اما در واقع با حقیقت و جوهره دین مبین اسلام که برپایه ایمان و عمل صالح شکل گرفته، چندان سازگار نیست. زیرا بنابر آموزه های دینی، تنها دوست داشتن اهل بیت(ع) نمی تواند مایه سعادت اخروی فرد باشد بلکه هرگاه ارادت با پیروی همراه شود می تواند کارگشا باشد.

این دست اشعار مانند شطحیات عرفانی است که حالتی متناقض نما دارد و گاه به ظاهر رنگ و بوی شوریدگی بر شریعت و دین را با خود دارد.(پروینی واحمدزاده، ۱۳۹۵: ۱۵۹) در علم معناشناسی شطح به مفهوم تجاوز هنری به تابوها است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۳۷) در شعر ابوالحب نیز کفایت کنندگی خداوند به امام علی(ع) نسبت داده شده که البته منظور شاعر تنها اغراق در شأن آن حضرت و بیان عمق ارادت خود به ایشان بوده است.

۴.۲ طلب یاری از امام علی(ع)

سیدرضا موسوی با استفاده از طرح سوال و پاسخگویی به آن تلاش‌کرده‌است در راستای یاری‌جستن از امام علی(ع) گام‌بردارد. او ابتدا از مخاطب می‌خواهد که از زمین بی‌آب و تشنه بپرسد مقصدش کجاست؟ چرا که باغ‌های هدایت و برکهٔ آن نزد امام علی(ع) و

یارانش است و از راه‌گم‌کرده در تاریکی بپرسد چرا این‌قدر سرگردان است؟ آیا هرگز نـور نمایان و فراگیر هدایت را ندیده‌است؟ موسوی، علی(ع) را مایهٔ هدایت و نجات از گمراهی معرفی می‌کند و از اینکه عده‌ای آن را درک‌نکرده‌اند اظهـار تعجـب مـی‌کنـد و آنـان را بـه یاری‌طلبی از حضرت فرامی‌خواند:

سَلِ المِجدَبَ الظَمآنَ أینَ مصیرُهُ
وَها عِندَنا رَوضُ الهُدی وَغَدیرُه
وَسَل خابطَ الظَلماءَ کَم هُوَ تائِهٌ
ألَم یرَ بَدرَ الرُّشدِ یسطَعُ نورُه؟

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

ابوالحب نیز _البته با نگاهی تقریبا سطحی و صرفا جهت ایجاد انگیزشـهای هیجـانی _ مخاطب خود را بـه یـاری خـواهی از امـام علـی(ع) سـفارش‌کـرده و دیـدار او را باعـث به‌دست آوردن خیر بسیار، رسیدن به آرزوها و پاداشی بزرگ دانسته‌است:

تَمَسَّک بصاحبِ یومِ الغدیرِ
وزُرهُ لتَحظَی بخَیرٍ کثیرٍ
وَتَسعَد مِنهُ بنَیلِ المُنی
وَأعلا ثوابٍ وَأجرٍ کبیرِ

(ابوالحب، بی‌تا: ۱۰۷)

گلپایگانی آستان امام(ع) را پناهگاهی امن می داند که در هنگامـه دشـواریها مـی توانـد بدان پناه برد:

هُوَ کَهفی إلَیهِ تَلجـأُ روحـی   حینَ یقوَی کَهفی وَینهدُّ رُکنی

(www.shahroudi.com)

وائلی نیز ضمن استفاده از آیه ۴۴ سوره هود **(**وَقِیلَ یَا أَرْضُ ابْلَعِی مَاءَکِ وَیَا سَمَاءُ أَقْلِعِی وَغِیضَ الْمَاءُ وَقُضِـیَ الْـأَمْرُ وَاسْـتَوَتْ عَلَـی الْجُـودِیِّ ۖ وَقِیـلَ بُعْـدًا لِلْقَـوْمِ الظَّـالِمِینَ**)**[۶] از امام(ع) می‌خواهد که کشتی سرگردان وجودش را که بازیچه امواج قرار گرفته؛ بـه سـاحل امن جودی هدایت کند:

سَفینَتی لُعبَةُ الأمـواجِ فَاهـد بهـا   أن تَستَوی بِنهایاتٍ عَلَی الجُودی

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۷)

۵.۲ یادآوری جایگاه والای امام علی(ع)

اشاره به جایگاه برجسته امام علی(ع)مهم ترین محـوری اسـت کـه شـاعران عراقـی بـرآن تاکید داشته اند. بدین معنا کـه جایگـاه ممتـاز آن حضـرت از نظـر شـاعران، قـوی تـرین استدلالی است که می توان در برابر منکران غدیر مطـرح سـاخت. بـر ایـن اسـاس بخـش قابل‌توجهی از حجم اشعار به همین موضوع اختصاص یافته است.

۱.۵.۲ روابط خویشاوندی امام علی(ع) با پیامبر(ص)

داشتن رابطه خویشاوندی با رسول خـدا(ص) یکـی از اسـباب تمـایز جایگـاه امـام(ع) از دیگران است. ابوالحب در ضمن اشعار خود به جانشینی پیامبر(ص) و روابط خویشـاوندی امـام علـی(ع) بـا پیـامبر(ص) اشـاره‌کـرده و دامـاد پیـامبر(ص) بـودن، همسـر حضرت‌زهرا(س) بودن و پدر امام حسن(ع) بودن را از ملاک‌های شایستگی امام علـی(ع) برای جانشینی پیامبر(ص) برشمرده‌است:

وَطَف حولَ قبرٍ به المرتضی
وصی النبی البشیرِ النذیرِ
وَصهرِ الرسولِ وَزوجِ البتولِ
أبِ المجتبی البشیرِ النذیرِ

(ابوالحب، بی‌تا: ۱۰۷)

۲.۵.۲ روابط غیرخویشاوندی امام(ع) با رسول خدا(ص)

موسوی با قسم و تاکید بیان‌می‌کند که مطابق حدیث نبـوی «أمَا تَرضَی أن تَکُونَ مِنّی بمَنزَلَـةِ هارونَ مِن موسی» (بخاری، ۱۳۹۲ش، ج۴: ۲۶۴) یا به روایت دیگر:«أنتَ مِنّی بمَنزلَةِ هـارونَ مِن موسی إلّا أنَّهُ لَا نَبیَّ بَعدِی» (مسلم ابن‌الحجاج، بی‌تا ،ج۷: ۱۲۰) علـی(ع)، بـرادر و یـار و وزیر پیامبر(ص) است:

أبا حَسَنٍ تَاللهِ أنتَ لِأحمَدَ　　　أخوهُ وَقاضی دینُهُ وَوَزیرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

ابوالحب هم که در شعر خود سعی در اثبات حق علی(ع) با تکیه بر فرمایشات شخص پیامبر(ص) دارد، به طور غیرمستقیم به پیمان برادری پیامبر(ص) و امام علی(ع) اشاره کرده‌است:

ألا مَن کُنتُ مولاً لَه　　　فَمَولاهُ هذا أخی والنَّصیرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

او در جای دیگری حضرت علی(ع) را برگزیده پروردگار از میان آفریدگانش معرفی کرده‌است که برای بهترین پیامبران، حکم وزیر را دارد:

قَد اختارَهُ اللهُ مِن خَلقِهِ　　　لِخَیرِ النَبیینَ خیرِ وزیرِ

/ بوالحب، بی‌تا: ۱۰۷)

شاعر در این بیت تاکیدکرده‌است که خداوند، امام علی (ع) را به عنوان وزیر رسول‌خدا(ص) برگزیده‌است.

گلپایگانی جان حضرت را محو در عشق به پروردگار می‌داند و معتقداست که نمی‌توان ارزش وجودی چنین شخصی را با پیمانه و میزان سنجید. وی در ادامه، امام(ع) را «صِنو» (به معنای برادر یا بدیل) پیامبر(ص) معرفی‌کرده و معتقد است که قیاس امام(ع) به عنوان برادر رسول خدا(ص) با کسی دیگر از انصاف به دور است:

إنَّ مَن ذابَ فِی الإلهِ فَلایمکِـ　　　ن تُحدیدُهُ بکَیلٍ وَوزنِ
صنو طه، ومن غدا صنو طه　　　فمن الظلم أن یقاس بقرن

(www.shahroudi.com)

۳.۵.۲ جایگاه ویژهٔ امام(ع) در آیات و احادیث

موسوی، حضرت علی (ع) را از طرف پروردگار صاحب اختیارات و امتیازاتی می‌داند که از شایستگی‌های او حکایت‌می‌کند. برای نمونه گذر از پل صراط را منوط به اجازه امام‌علی(ع) می‌داند. شاعر در این ابیات از حدیث «لا یَجوزُ أحدٌ الصِّراطَ إلّا مَن کَتَبَ لَه عَلیٌ

الجوازَ» (تنها کسی که علی(ع) برایش جواز عبور از صراط را نوشته‌باشد، می‌تواند از پل صراط بگذرد.) (طبری مکی، ۱۳۵۶ق : ۷۱)اقتباس کرده است:

وَأنتَ الصِّراطُ المستَقیمُ وَعِندَکَ الـ　　　جوازُ فَمَن تَمنَحَهُ جازَ عُبورُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

یا در جای دیگری امام علی(ع) را تقسیم‌کنندۀ افراد برای سوختن در آتش دوزخ یا برای پناه‌یافتن از زبانه‌های آن معرفی‌می‌کند که خود این‌مطلب برگرفته از این‌حدیث علوی است: «أنا قَسیمُ النارِ یومَ القیامةِ»(من در روز قیامت تقسیم‌کنندۀ آتش خواهم‌بود.) (ابن‌عساکر، ۱۹۹۶م، ج۴۲: ۲۹۸؛ زمخشری، ۱۹۷۱م، ج۳، ۱۹۵؛ «أنا قسیم النار والجنة» (صدوق، ۱۳۶۲ش: ۴۹۶)

وَأنتَ قَسیمُ النارَ قِسمٌ تجیزُهُ　　　عَلَیها، وَقِسمٌ مِن لَظاها تجیرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

وائلی هم با اقتباس از آیۀ ۶۱ سوره آل عمران یا همان آیۀ مباهله (فَمَنْ حَآجَّکَ فِیهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْاْ نَدْعُ أَبْنَاءنَا وَأَبْنَاءکُمْ وَنِسَاءنَا وَنِسَاءکُمْ وَأَنفُسَنَا وأَنفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَةُ اللّهِ عَلَى الْکَاذِبِینَ)[۷] وجود امام(ع) را نفس رسول خدا(ص) دانسته و از این جهت او را همانند رسول خدا (ص)والاترین و ارزشمندترین مخلوقات بر می شمرد. در این آیه طبق روایت‌های معتبر از شیعه و سُنّی، منظور از «أنفسکم» حضرت‌علی(ع) است. (مرعشی تستری، ۱۴۰۹ق، ج۳، صص:۴۶، ۵۵، ۶۰، ۶۶ ؛ ج۹: ۷۶، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۷ ؛ ج۱۴: ۱۳۷–۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۷ و ۱۴۸):

وَأنتَ نفسُ رسولِ اللهِ وهو بلا　　　مِراءٍ أثمنُ مخلوقٍ وموجودِ

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۵)

۴.۵.۲ اشاره به اوصاف برجستۀ امام علی(ع)

وائلی که در شعر خود برتری‌های امام را مورد توجه قرارداده و او را «صاحب درک و فهمی بی‌نهایت می‌داند که اندیشه‌ها در ابتدا از شناخت او ناتوانند، اما زمانی که نشانه‌ای از وی می‌یابند، بر جایگاه وی تاکیدمی‌ورزند»(سلیمانی، ۱۳۹۲ش: ۱۰۹):

سَجیةٌ فی عَلیٍّ أنَّ مَوقِعَهُ

مِنَ الشُّعورِ حُضورٌ غَیرُ مَفقودِ
یمَّمتُهُ أجتَلیهِ فَانتَهَیتُ إلی
طَلعٍ مِنَ النَّجمِ فی مَعناهُ مَنضُودِ
یا مَن إذا شَذَّ ذِهنٌ عَنهُ نَبَّهَهُ
وَمضٌ فَبَدَّلَ مِن نَفیٍ لِتأکیدِ

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۳)

وی با استفاده از کنیهٔ حضرت علی(ع)، ابوتراب، وی را مظهر حاصلخیزی و برکت و سرسبزی معرفی‌کرده‌است. شاعر برخی خاک‌ها که بر آن حکم رانده‌می‌شود را شوره‌زار دانسته اما خاک حضرت علی(ع) را شیرین و سرسبز و باطراوت دانسته‌است (پاشا زانوس، ۱۳۹۲: ۳۳) که گویی بدین وسیله، عنصر وجودی امام علی(ع) را نیز برتر دانسته‌است:

أبا التُّرابِ وَ بَعضُ التُّربِ یحکُمُهُ   سبِخٌ وَ تُربُکَ حُلوٌ أخضَرُ العُودِ

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۷)

شجاعت و رشادت امام (ع) نیز از اوصاف برجسته آن حضرت است. موسوی شمشیر امام را نابود کننده مشرکان و آشکار کننده حق می داند:

بکَ الشِّرکُ أودی خَیلُهُ وَرجالُهُ
وَ ثِقلَ قریشٍ عِیرُهُ وَنَفیرُهُ
فَمازلتَ لِلحَقِّ المبینِ تُبینُهُ
وَبالسَّیفِ مَن یبغیهِ سوءاً تبیرُهُ
إلی أن علا هامَ الجبالَ مَنارُهُ
وأشرَقَ فی کلِّ الجهاتِ مُنیرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

موسوی به هوشیاری و نبوغ جنگی علی(ع) هم توجه‌داشته‌است که هیچ‌گاه در دلاوری از شخصی بازنمی‌ماند تا آنجاکه اگر کسی کمر به قتل ناگهانی و ترور او ببندد، خود اوست که کشته‌خواهدشد. شاید بتوان نحوهٔ شهادت امام علی(ع) را نیز گواهی بر این‌ادعا دانست؛

چراکه ابن ملجم هیچ‌گاه جز در حالت عبادت که علی(ع) را از توجه به هرچیز و هرکس غیر از خدا بازمی‌داشت، توان رویارویی با حضرت(ع) را نداشت:

فَمَن جاءَ مُغتالاً فَأنتَ تمیتُهُ   وَمَن جاءَ مُمتاراً فَأنتَ تمیرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

یکی دیگر از زیبایی‌های شعر موسوی، اشاره بر نوع دیگری از دلاوری حضرت علی(ع) است که همان استفادهٔ به‌جا از قدرت خود و کنترل آن و جایگزینی بردباری با خشونت و پرهیز از خشونت تا حد امکان است. شاعر معتقداست اگر حضرت علی(ع) بخواهد دشمن را به نیروی دست توانمندش داغدارکند، صدای واویلا و نالهٔ حزن او همه‌جا طنین‌افکن خواهدشد و اگر روزی بخواهد با دست پر قدرتش بر کوهی بزرگ حمله‌بَرَد، در این‌کار موفق‌خواهدبود اما از آنجاکه حلم شایسته‌تر از خشم است و تنها صبرپیشگان به مقام رضای الهی می‌رسند، حضرت هم پیوسته در طول حیات خود در برابر سختی‌ها صبر پیشه‌کرده‌است که این‌امر به‌طورکامل با روحیهٔ صلح‌طلبی ایشان تناسب دارد:

وَلَو شِئتَ أثکَلتَ العدوَ بنَفسِهِ
فَأصبَحَ یعلو وَیلُهُ وَثَبورُهُ
ببَأسِ یدٍ لَو صُلتَ یوماً بها عَلی
ثَبیرٍ إذاً لاندکَّ مِنها ثَبیرُهُ
وَلکِن رَأیتَ الصَّبرَ أحجی وَلَم ینَل
ثَوابَ مقامِ اللهِ إلّا صَبورُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۴)

ابوالحب نیز در غدیریه خود از دلاوری‌های «شیر خدا» با شمشیر مشهورش «ذوالفقار» یاد کرده‌است:

بذاتَ الفِقارِ أبادَ العَدی
وَرَدَّ الضَلالَ بجَیشٍ کبیرٍ
...
وکَم فِی الحُروبِ لهُ موقفٌ

بِها کانَ یسطو کَلَیثٍ هَصورِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۷)

گلپایگانی، امام(ع) را تجلی خداوند و دارنده قدرت الهی برشمرده است. پیش تر اشاره شد که گهگاه اشعار آیینی شاعران با صبغه های عرفانی درآمیخته شده و به شطحیاتی مبدل می شود که شاید به ظاهر با جوهره آموزه های دینی ناسازگار باشد. شاعر که خود از این امر آگاه است در ادامه شعر سعی کرده تا دامن اعتقاداتش را از شبهه شرک پاک کرده و عشق را متهم سازد. در واقع شاعر مدعی است که در مقام عشق به علی(ع) به‌جایی رسیده‌است که با خرد قابل درک نیست:

مَظهَرُ اللهِ فِی الوُجودِ فَدَعنی
عَن سِواهُ باللهِ یا صاحِ دَعنی
مَن لَه سلطَةُ الإله أتَرجو
غیرَ نَعماهُ أیها المتمَنّی
لا تَقُل لی: أشرکتَ، مِثلی فی
التوحیدِ، قَد جَلَّ عَقلَهُ أن یثَنّی
بَیدَ أنّی أدرکَتُ فِی الحُبِّ معنیً
دقَّ حَتّی إختَفی علی کُلِّ ذِهنِ

(www.shahroudi.com)

گلپایگانی در ابیات بعدی علاقهٔ بی‌مرز خود را با استفاده از حدیث «أیها النّاسُ، سَلُونی قَبلَ أن تَفقدُونی، فَلَأنا بطُرُق السَّماءِ أعْلَمُ مِنّی بطُرُق الأرض، قَبْلَ أنْ تَشْغَرَ برجْلِهَا فِتْنَةٌ تَطَأُ فی خِطامِها، وَتَذْهَبُ بأحْلَامِ قَوْمِهَا»(ای مردم! پیش از آنکه مرا نیابید، آنچه می‌خواهید از من بپرسید، که من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسم. بپرسید قبل از آنکه فتنه‌ها چونان شتری بی‌صاحب حرکت‌کند و مهار خود را پایمال‌نماید و مردم را بکوبد و بیازارد و عقل‌ها را سرگردان کند.) (خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه) چنین نشان می‌دهد:

وَالذی قالَ للألوفِ:سَلونی
جَلَّ شأناً عَن کلِّ قَدرٍ وَشَأنِ
فَهوَ عینُ الإلهِ یستَوعِبُ الأکوانِ

وَعیاً فی کُلِّ ظَهرٍ وبَطنِ

(www.shahroudi.com)

او در این ابیات نیز امام(ع) را همانند خداوند می داند که بر پیدا و پنهان امور آگاه است. شاید غدیریهٔ گلپایگانی از بُعد عقیدتی محکوم‌شود اما از آن‌جا که بُعد ادبی در این‌پژوهش مطرح‌است، مخاطب، گلپایگانی را شاعری شوریده‌حال می‌یابد که برای عرض ارادت خود، حتی حاضراست چنین خطری را به‌جان‌بخرد.

۶.۲ امید به شفاعت امام علی(ع)

سیدرضا موسوی در شعرش، خود را مسلمانی امیدوار به شفاعت علی(ع) معرفی‌می‌کند و با اظهار فروتنی از وی می‌خواهد که گناهکاری چون او را با شفاعتش دریابد چراکه اگر حضرت علی(ع) کمکش نکند، یاوری ندارد و یاکمک به او از جانب غیر از آن حضرت، دشوار یا حتی ناممکن‌خواهدبود. سخن شاعر بیانگر این است که پذیرش ولایت حضرت علی(ع) از جانب شاعر، قوی‌ترین ابزار برای زدودن خطاها و گناهان وی است:

فَدَیتُکَ أدرک بالشَّفاعَة مُذنِباً
إذا أنتَ لَم تنصرهُ عَزَّ نَصیرُهُ
ولایتُهُ إیاکَ أقوَی وَسیلةٍ
سَیمحی بِها تَقصیرُهُ وَقُصورُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۴)

ابوالحب، امام (ع)را اندوخته و گنجینهٔ پیروان آن حضرت(ع) برای روز قیامت وصف می‌کند و نتیجهٔ کار را منتهی به او و پذیرش رهبری‌اش، و امیدِ شفاعت خواستن مسلمانان و خواستن خیر و نیکی را (پس از خدا) بسته به او می‌داند و با تاکید بیان‌می‌کند که مسلمانان باید تمام امید و آرزوهای خود را بر دریایی از علم (وجود امام علی(ع))ببندند:

إمامٌ عَرَفناهُ ذُخراً لَنا
بیومِ الجَزاءِ وَإلَیهِ المَصیر
وَنَرجو شَفاعَتَه فِی المَعادِ
وَنَطلُبُ مِنهُ العَطاءَ الکثیر

وَإنّا لَنَعقدَ آمالَنا
عَلی بَحرِ عِلمٍ خِضَمٍّ غَزیرِ
(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

۳. تحلیل مقایسه‌ای اشعار شاعران

وصف امام علی(ع) در شعرهای این‌شاعران اگر دور از هم نباشد اما به‌طورکامل هم‌مانند نیست. حال اگر بتوان این‌تفاوت‌های جزیی را هم تشخیص‌داد، می‌توان با ارزیابی آن‌ها، عمق نگاه شاعران و احساسی یا استدلالی‌بودن شعر آنان را نیز دریافت.

امام علی(ع)در اشعار موسوی با اوصافی مانند باغ و برکهٔ هدایت، ماه پر فروغ هدایت، ابا حسن (کنیهٔ علی(ع))، برادر و قاضی دین و وزیر پیامبر(ص)، یاری‌گر پیغمبر(ص)، نفس پیامبر(ص) و همتای او، برطرف کنندهٔ مشکلات و اداره کنندهٔ کارها، نمایندهٔ امت‌ها، امیر و سرور مومنان، دست نیرومند خداوند، ریسمان محکم او و پشتیبان دین و فرستاده‌اش، راه مستقیم، اجازه دهندهٔ عبور از صراط، نابودگر شرک و اهل آن، بیان‌کنندهٔ حق، هلاک‌کنندهٔ متجاوزان با شمشیر، دلاور و دلسوز، تقسیم‌کنندهٔ افراد برای سوختن در آتش یا نجات از آن، دلاورِ در بستر پیامبر(ص) خوابیده در شب هجرت، پردازنده به دین با تمام وجود و بی‌نیاز شدن، دلاور مسلط بر نفس و ترجیح‌دهندهٔ صبر و نائل‌شده به مقام رضای الهی و شفاعت‌کننده توصیف‌شده‌است. همان‌طورکه قابل‌مشاهده‌است، به‌صورت‌کلی می‌توان وصف‌های موسوی دربارهٔ علی(ع) را در سه محور کلی: تبیین جایگاه والای علی(ع)، نقش مهم وی در گسترش و تقویت دین اسلام و صفات پسندیدهٔ اخلاقی تقسیم‌بندی‌کرد.

ابوالحب در غدیریهٔ خود، علی(ع) را صاحب روز غدیر، جانشین پیامبر(ص)، داماد پیامبر(ص)، همسر بتول، پدر مجتبی(ع)، برگزیدهٔ خدا از میان بندگان، بهترین وزیر، سازنده و یاور دین، برگزیدهٔ پیامبر(ص) در روز غدیر، صاحب پیمانی بی‌نظیر، سرپرست مردم، برادر و یاور پیامبر(ص)، جانشین، زیارت‌شونده، کفایت‌کننده، پایان‌دهنده به سختی‌ها، اندوختهٔ روز قیامت مسلمانان، میعادگاه، شفاعت‌کننده، بخشندهٔ نیکویی‌های بسیار،دریای بی‌کران علم، ابوالحسن (کنیهٔ علی (ع))، سید پیروی‌شونده، تابناک چون ماه درخشان، حمایت‌کنندهٔ شرع، غار و پناهگاه همگان، یار ضعیف و یاور فقیر توصیف‌کرده‌است. وصف‌های ابوالحب نیز شامل این‌محورهای کلی است: داشتن روابط خویشاوندی محکم با

پیامبر(ص) و نزدیک بودن به او بیش از هرشخص دیگر، داشتن جایگـاه والا، پشـتیبانی از دین و مردم.

گلپایگانی در شعر خود، حضرت را به پناهگاه، جلوه‌گاه خداوند در عالم هستی، دارندهٔ قدرت معبود، بخششگر، برادر و همزاد پیامبر(ص)، صـاحب شـأن والا، عـین الله، شـریک صبح، رهبر کاروان تاریخ وصف‌کرده‌است. این‌وصف‌ها نیز بر جایگاه امام علی(ع) و داشتن صفات بی‌نظیر در ایشان تمرکزدارند.

اوصاف امام در شعر وائلی نیز عبارتند از: صاحب فضایل فراتر از درک همگان، باعـث رویش و جان‌بخشی، زیور بخش جهان، قاطع، همیشه باطراوت، جاودانگی بخش به خـود جاودانگی، مولود کعبه، درهم‌شکنندهٔ مظاهر جهل و شرک در کعبه، تبدیل‌کننـدهٔ شـرک بـه توحید، از بین برندهٔ سکوت و خفقان و تقدیم‌کننـدهٔ زیبـاترین آهنـگ بـه جهـان هسـتی، حبس‌کنندهٔ شرک در قفس، تاییدشدهٔ آسمان، باعث فخر کعبـه، نفـس پیـامبر(ص)، بـدیع، صاحب غدیر با آبی گوارا، هدایتگر، پدر حسین(ع)، مبارک و طراوت‌بخش، نجات‌دهنده.

۴. نتیجه‌گیری

۱. مهم ترین محورهای محتوایی غدیریه های برگزیده عبارتند از: اشاره به حوادث تاریخی، لزوم پیروی از امام(ع)، یاری خواهی از امـام(ع)، یـادآوری جایگـاه والای امـام(ع) و امیـد شفاعت از ایشان. در بیان حوادث تاریخی شاعران تنها به اشـاراتی بسـنده کـرده و از بیـان جزئیات خودداری کرده اند. به ویژه درباره واقعه غدیر که شاید انتظار می رفت با تفاصـیل بیشتری بیان شود. از میان مضامین مطرح شده، یادآوری جایگاه والای امام(ع) از جنبه های گوناگون، بیشترین بسامد را دارد. گویی تبیـین جایگـاه برجسـته آن حضـرت، مهـم تـرین استدلال شاعران برای مخالفان و منکران غدیر است.

۲. هرچند همه شاعران برگزیده از چهره های دینی عراق بـه شـمار مـی رونـد امـا بـه فراخور ماهیت شعر، سروده های آنان از صبغه های احساسی و هیجانی تهی نیسـت. ایـن ویژگی که مـی توانـد نشـان دهنـده احساسـات صـادقانه و پورشـور شـاعران نسـبت بـه اهل‌بیت(ع) باشد در شعر گلپایگانی و ابوالحب پر رنگ تر از دو شاعر دیگر است به طوری که حتی در پـاره ای مـوارد بـا غلـوّ درآمیختـه و یـا رنـگ و بـوی شـطحیات عرفـانی را به‌خود می‌گیرد.

۳. همه شاعران برای بیان مقاصد خود از آیات قرآن یا احادیث نیز بهره برده اند.

۴. اشعار برگزیده از جهت ادبی به ویژه تصاویر شعری چندان قوی نیست. زبان شعری هر چهار شاعر ساده و روان و عواطف شاعران صادقانه است به طوری کـه حتـی شـاعری مانند گلپایگانی برای ابراز شدت عشق و ارادت خود به امام(ع)، خطر متهم شدن به شـرک را نیز به جان می خرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. **سیدرضا موسوی هندی (۱۳۶۲–۱۲۹۰هـ ق):** سیدرضا، از نسل سیدمحمد، از نسل سیدهاشـم معروف به هندی است. سیدرضا موسوی به دلیل سفر نیاکانش به هند– در زمـانی‌کـه عـراق در آشفتگی سیاسی به‌سرمی‌برد– به هندی معروف‌گشته‌است. نسب او با سی و اندی فاصله (جـدّ)، به امام دهم می‌رسد. گاه خاندانش را به امام نقی(ع) نسبت‌داده‌اند و او را نقوی خوانده‌اند، گاه به امام رضا(ع) و رضوی لقب‌داده‌اند و گاه به امام موسی بن جعفر(ع) و او را موسوی نامیده‌اند که خاندان سیدرضا بیشتر با این‌لقـب شـناخته‌شـده‌انـد. او در کـودکی از محضـر بزرگـانی چـون میرزامحمد حسن شیرازی بهره‌برده و با آشکارشدن استعدادش، مایهٔ شگفتی ایشان شده‌است. او در کنار مطالعه در علوم دینی و کسب اجازه از بزرگانی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی، ذوق ادبـی خود را هم پروراند تا آنجاکه با نوشتن نامه‌ای به شیخ رضا اصفهانی در ۱۴سطر کـه هـم امکـان خواندنش به نثر بود و هم به شعر، شگفتی‌آفرین شـد. عـلاوه بـرایـن، مهـم‌تـرین قصـیدهٔ وی، قصیدهٔ‌کوثریه است که خطاب به امام علی(ع) سروده‌شد. او در سن ۷۲ سالگی در اثر سکتهٔ قلبی در مجلس یکی از بزرگان عرب درگذشت و پس از انتقال جنازه‌اش به نجف اشـرف در مقبـرهٔ خانوادگیشان به‌خاک سپرده‌شد. از او آثاری چون: الميزان العادل بين الحق والباطل، بلغـة الراحـل، الوافي في شرح الكافي في العروض والقوافي به‌جـای‌مانـده‌اسـت.(تلخـیص، الموسـوی الهنـدی، ۱۴۰۶ق: ۱۳– ۸)

۲. **عبدالمحسن ابوالحب (۱۳۰۵– ۱۲۲۵/۱۲۴۵هــ ق):** وی، متولـد کـربلا و پسـر حـاج محمـد معروف بـه ابوالحـب از خانـدانی عربـی از قبیلـهٔ خـثعم اسـت کـه از قـرن دوازدهـم هجـری به‌قصد آموختن علوم دینی و ادبی از حویزه به کربلا سفرکردند و در آنجا ساکن‌شدند. او که در شعر و خطابه به‌شهرت‌رسیده‌بود، ملقب به ابوالحب شد و این‌لقب تا امروز برای خـانواده‌اش در کربلا باقی‌مانده‌است. گفته‌شده‌است، سبب این‌نامگذاری کنارآمدن شاعر با بیماری خود بوده کـه از سرفه‌های شدید رنج‌می برده‌است و پزشک معالج او، این‌لقب را به وی داده بوده‌است که البته عده‌ای آن را غیرواقعی می‌دانند. البته آنچه در مورد شاعر اهمیت دارد، نام و شهرت وی نیسـت بلکه دستاوردهای وی در شعر و خطبه است. شیخ محسن دیوانی بزرگ دارد که تعـداد ابیـاتش به ۳۰۰۰ بیت می‌رسد و بیشتر موضوعات آن شامل مدح و رثای اهل بیت(ع) است. او بـیش از

هرچیزی به خاطر شعرهایی که برای امام حسین(ع) سروده به‌شهرت‌رسیده‌است و از شاعران ادبیات عاشورایی به‌شمارمی‌رود. (تلخیص، ابوالحب، بی‌تا: ۸و۷ ؛ عباس العبیدی، ۱۳۵۱ش: ۲۸۹–۲۹۲)

۳. **شیخ احمد وائلی (۲۰۰۳–۱۹۲۸م)**: او احمد پسر شیخ حسون پسر شیخ سعید پسر شیخ حمود لیثی وائلی و روحانی، خطیب و شاعر عراقی است که دکترای خود را از دانشگاه ازهر مصر دریافت‌کرد. وائلی از محضر استادانی چون سید ابوالقاسم خویی، سید محسن حکیم، محمد باقر صدر، سید محمد تقی حکیم، علی کاشف الغطا،محمد رضا مظفر بهره‌برد و از ۱۴ سالگی بر منبر رفت و مشهورترین روضه‌خوان شیعهٔ عصر حاضر شد. سبک علمی او در روضه‌خوانی‌هایش که برگرفته از تحصیلات دانشگاهی او بود، بیش از هرچیزی دیگری توجه همگان را به‌خودجلب‌کرده‌است. وائلی با شعر خود مسائل سیاسی و اجتماعی زمانش را دنبال می‌کرد چنان‌که شعر «خواب‌های کاذب» را در مورد سوسیالیست‌ها و قصیدهٔ «رودخانهٔتایمز» را دربارهٔ اشغال عراق توسط انگلیس و شعر «بغداد» را دربارهٔ وضعیت آشفتهٔ عراق در زمان حکومت حزب بعث سروده‌است. او دربارهٔ فلسطین هم اشعاری دارد. او پس از سال ۱۹۷۸م از عراق گریخت و مدت۲۳ سال را در سوریه، ایران، کشورهای خلیج فارس و اروپا به‌سربرد و سرانجام در سال ۲۰۰۳م پس از سقوط حکومت صدام به عراق بازگشت اما پس از ۱۰ روز ازدنیارفت و در کنار آرامگاه کمیل بن زیاد به‌خاک‌سپرده‌شد. از او کتاب‌هایی چون: هویة التشیع، دیوان اشعار، دفاع عن الحقیقة و۵ کتاب دیگر باقی‌مانده‌است.(تلخیص، وائلی،۲۰۰۷م: ۳۹–۷ ؛ محمود سلمان، بی تا: ۴–۱)

۴. **آیة الله سیدمحمد جمال هاشمی گلپایگانی (۱۳۷۹– ۱۲۹۵ هـ ق)**: وی فرزند آیةالله سیدجمال‌الدین گلپایگانی و از نوادگان ابراهیم مجاب است که خود نوهٔ امام موسی‌کاظم(ع) است. او در نجف اشرف متولدشد و از محضر استادانی چون آیةالله ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و پدرش بهره‌برد و به درجهٔ اجتهاد رسید. گلپایگانی طبع شعر نیز داشت و دیوان او با عنوان «مع النبی وآله» در سال ۱۴۰۶ هـ ق در قم به‌چاپ رسید. از مهم‌ترین قصاید این‌دیوان، قصیدهٔ مشهور «بنت الخلود» است که آن را به مناسبت میلاد دختر پیامبر(ص) سروده‌است و در آن بیش از هرچیز به مقام والای حضرت زهرا(س) اشاره‌کرده‌است.. گلپایگانی در سال ۱۳۷۹ ق دار فانی را وداع گفت و در وادی السلام در کنار پدر به‌خاک‌سپرده‌شد. علاوه بر دیوان شعر او می‌توان به دیگر کتاب‌هایش از جمله: اخلاق در قرآن کریم، حاشیه بر مطول تفتازانی، اصول فقه و بسیاری آثاری دیگر اشاره‌کرد که برخی از آن‌ها تاکنون به‌چاپ‌نرسیده‌اند. (http://kosarnameh.com)

۵. و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند، و نیرنگ می‌زدند، و خدا تدبیر می‌کرد، و خدا بهترین تدبیرکنندگان است.

۶. و گفته شد: «ای زمین، آب خود را فرو بر، و ای آسمان، [از باران] خودداری کن. و آب فروکاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت.» و گفته شد: «مرگ بر قوم ستمکار.

۷. پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابوالحب، عبدالمحسن (د.ت)، **دیوان الشاعر العراقی عبدالمحسن ابوالحب**، تحقیق: سلمان هادی الطمعة، د.ط، کربلا: دارالشهید.

ابن الحجاج، مسلم (د.ت)، **الجامع الصحیح**، د.ط، ترکیه: دار الطباعة العامرة.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی ابن الحسن ابن هبة الله ابن عبدالله الشافعی (۱۹۹۶م)، **تاریخ مدینة دمشق**، چاپ اول، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

احمدزاده، علی و خلیل پروینی(۱۳۹۵ش)، «عماد الدین نسیمی و جایگاه او در شعر شیعی ترکی»، **شیعه‌شناسی، س۱۴، ش۵۳، صص۱۴۳–۱۷۰.**

بخاری، امام أبوعبدالله محمد بن اسماعیل (۱۳۹۲ش)، **صحیح البخاری**، ترجمهٔ: عبدالعلی نور احراری، ط۲، تربت جام: انتشارات شیخ الإسلام أحمد جام.

الزمخشری، جار الله محمود بن عمر (۱۹۷۱م)، **الفائق فی غریب الحدیث**، تحقیق: محمد أبوالفضل ابراهیم وعلی محمد البجاوی، ج۳، ط۲، القاهرة: عیسی البابی الحلبی وشرکاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا(۱۳۹۲ش)، زبان شعر در نثر صوفیه؛**درآمدی به سبک‌شناسی نگاه عرفانی**، تهران: سخن.

الصدوق، أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بابویة القمی (۱۳۶۲ش)، **کتاب الخصال**، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، د.ط، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة.

الطبری المکی، محب‌الدین احمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، **ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی**، د.ط، قاهره: مکتبة القدسی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳ش)، **تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک**، ترجمهٔ: ابوالقاسم پاینده، ج۳، تهران: اساطیر.

المرعشی التستری، القاضی السید نورالله الحسینی (۱۴۰۹ق)، **إحقاق الحق وإزهاق الباطل**، تعلیق: آیةالله السیدشهاب‌الدین النجفی، بدون چاپ، قم: کتابخانهٔ عمومی حضرت آیة الله مرعشی نجفی.

المجلسی، محمد باقر (۲۰۰۸م)، **بحـار الأنـوار الجامعـة لـدُرر أخبـار الأئمـة الأطهـار**، ج۲۵، چ۱، بیروت: موسسة الأعلمی للمطبوعات.

الموسوی الهندی، السیدرضا (۱۴۰۶ق)، **دیـوان**، تعلیـق: السـید عبدالصـاحب الموسـوی، د.ط، قـاهره: مصر الجدیدة.

نهج البلاغة (۱۳۸۶ش)، ترجمة: حجة الإسلام محمد دشتی، چ۱، قم: سبط النبی.

الوائلی، أحمد (۲۰۰۷م)، **دیوان الوائلی**، شرح و تدقیق: سمیر شیخ الأرض، ط۱، لبنان: موسسة البلاغ.

بی‌نام (۱۳۷۸ش/بهار): «کرامتی از ثامن الحجج علـی بـن موسـی الرضـا(ع)»، **مجلـة کـلام اسـلامی**، دورهٔ شانزدهم، ش ۲۹، صص ۱۴۸و۱۴۹.

الخلیلی، جعفر (۱۴۱۴ق): «من القسم المخطوط من کتاب (هکذا عرفتهم: کیف عرفت السیدمحمدجمال الهاشمی ۱۹۷۷-۱۹۱۶)»، **مجلة الموسم**، ش۱۵،صص ۱۲۹- ۱۴۸.

سلیمانی، کامران و تورج زینی وند(۱۳۹۲ش/بهار و تابستان): «درآمدی توصیفی-تحلیلی بر شعر دینـی احمد وائلی»، **مجلهٔ ادب عربی**، س۵، ش۱، صص ۱۰۵- ۱۲۴.

عباس العبیدی، مهدی و جلیل أبوالحب(۱۳۵۱ش/اسفند): «الشیخ محسن أبوالحب۱»، **مجلـة العرفـان**، ش۶۱۲، صص۲۸۹-۲۹۲.

هادی آل طعمه، سلمان (۱۳۶۰ش/اردیبهشت): «شعراء کربلاء المعاصـرون: الـدکتور ضـیاء أبوالحـب»، **مجلة العرفان**، ش ۶۹۵ و۶۹۶و ۶۹۷، صص ۷۸-۸۳

سردبیر (۱۳۹۶/۰۲/۰۷، ساعت ۴۰: ۵۷: ۲۲)، «قصیدهٔ بنت الخلـود (تصـحیح و ترجمـه سـایت: دختـر جاودانگی)» از آیت الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی (فرزند آیـت الله سـید جمـال الـدین گلپایگانی) در مدح و مرثیهٔ حضرت زهرا(س)»:

http://kosarnameh.com/%D8%B4%D8%B9%D8%B1-%D9%88-%D8%A7%D

دفتر آیةالله شاهرودی (۱۳۹۶/۰۲/۱۴، ساعت ۱۹:۱۵:۳۰)، «باسم عبدالغدیر از آیة الله السید محمد جمال الهاشمی الکلبایکانی»:

http://www.shahroudi.com/Portal.aspx?pid=۷۱۲۴۳&CaseID=۷۹۳۸۲